

اثر تعامل جنسیت و بازداری از تحریک‌پذیری و نوع فیلم‌های تلویزیونی در پرخاشگری ادراک شده دانشجویان

Interaction among sexuality and prevention of irritability by TV movies in relation to perceived aggression in university students

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۰

Oreyzi HR. PhD[✉], Hashemi Sh. PhD

حمیدرضا عربی[✉]، شهناز هاشمی^۱

Abstract

Introduction: Movies broadcast on television should be categorized based on the extent of aggressive content and those with a high degree of violence should not be broadcast.

Method: The research is a short-period laboratory and experimental study in which 100 Isfahan University students registered voluntarily. The students were asked to watch seven Iranian movies, rank all movies on a scale of aggressive reaction and violence, and subsequently fill Keppra irritability, Mehrabian preventive irritability, and Bass-Darky Verbal Aggressiveness Scale.

Results: Movies with a high degree of violence caused more irritability; stimulus barrier in such aggressive movies was more visible, bore less invasion, and was more common among female than male. Multi-variant data analysis in grading violence and aggressive reflection on them proves that either the type of movies or irritability was meaningful. Moreover, we concluded that the type of movies interacted with stimulus barrier, and the effects of multi-interaction of sexuality and stimulus barrier have been meaningful.

Conclusions: We concluded that encountering stimulus barrier in movies was an effective intervention in decreasing violence and it was possibly available through training. However, it is unlikely for irritability with its trail and characteristics to have an effective role.

Keywords: Movie, Aggression, violence, Irritability, Stimulant Barrier

چکیده

مقدمه: فیلم‌هایی که در تلویزیون به نمایش گذاشته می‌شوند باید از نظر محتوای پرخاشگرانه درجه‌بندی شده و فیلم‌هایی با رتبه بالای درجه‌بندی خشونت از نمایش در تلویزیون منع شوند

روش: این پژوهش مطالعه‌ای تجربی از نوع آزمایشگاهی کوتاه مدت است. در این پژوهش ۱۰۰ دانشجوی دانشگاه اصفهان که به صورت داوطلبانه برای تماشای فیلم شرکت کرده و ۷ فیلم که همگی از تلویزیون ایران پخش شده بود به نمایش گذاشته شد. آنها ضمن درجه‌بندی خشونت فیلم‌ها به مقیاس تحریک‌پذیری کاپرا، مقیاس بازداری محرک مهربان و همچنین مقیاس پرخاشگرانه کلامی باس و دورکی پاسخ دادند.

یافته‌ها: فیلم‌ها با درجه‌بندی خشونت بالاتر، پرخاشگری بیشتری ایجاد می‌کنند. از طرفی بازداری محرک در فیلم‌هایی با پرخاشگری کمتر، بیشتر است. همچنین بازداری محرک سبب کاهش پرخاشگری است و این امر در زنان بیش از مردان دیده شد. نتایج تحلیل چند متغیره برای درجه‌بندی خشونت و افکار پرخاشگرانه نشان داده شد که هم نوع فیلم و هم تحریک‌پذیری معنادار بوده است. اثرهای تعاملی نوع فیلم و بازداری محرک و نیز اثر تعامل چندگانه نوع فیلم، جنس و بازداری محرک معنادار بوده است.

نتیجه‌گیری: بازداری محرک یک مداخله مؤثر برای کاهش خشونت است که از طریق آموزش امکان پذیراست هر چند در مورد تحریک‌پذیری با توجه به ویژگی شخصیتی و سرشتی آن، کمتر می‌توان انتظار تأثیر مداخله مؤثر را داشت.

کلیدواژه‌ها: فیلم، پرخاشگری، خشونت، تحریک‌پذیری، بازداری محرک

✉ **Corresponding Author:** Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran
E-mail: dr.oreyzi@edu.ui.ac.ir

✉ گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۱- گروه پژوهش در آموزش علوم انسانی، پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران

مقدمه

پرخاشگری عمل آگاهانه‌ای است که با هدف وارد آوردن صدمه و رنج جسمانی یا روانی انجام می‌گیرد و ممکن است به صورت بدنی یا کلامی باشد [۱]. برآورد دقیق هزینه‌های خشونت کار بسیار دشواری است اما آن بخش از هزینه‌های خشونت که در هزینه بهداشت عمومی جهانی قابل ردیابی است، بالغ بر میلیارد دلار می‌باشد که می‌توان میلیارد دلار دیگر را به عنوان هزینه روزهای کار تلف شده، مخارج حقوقی و قضائی و سرمایه‌های از دست رفته در اقتصاد ملی کشورها به مبلغ فوق اضافه کرد [۲].

قرار گرفتن افراد و به خصوص جوانان در مقابل انواع مختلف رسانه‌ها، به‌طور چشمگیری افزایش پیدا کرده است. انواع جدید رسانه‌ها مثل بازی‌های ویدئویی، نوار ویدئو و اینترنت امکان رویارویی جوانان با خشونت را افزایش داده است. بررسی‌های مختلف در بسیاری از کشورها نشانگر این مطلب است که ورود تلویزیون در کشورها با افزایش سطح خشونت مرتبط است، هنیگان [۳] در یک پژوهش طولی داده‌های آرشیوی در مورد میزان جرائم قبل و پس از استقرار تلویزیون در مناطق مختلف آمریکا را فراهم ساخته و نشان دادند که آمار جرائم پس از استقرار تلویزیون به طور معنی داری افزایش می‌یابد.

اکثر شواهد نشان می‌دهد که مشاهده خشونت در تلویزیون، بروز رفتار تهاجمی فوری را افزایش داده و در دراز مدت تأثیر ناشناخته‌ای جدی بر خشونت دارد. شواهد کافی در مورد تأیید انواع جدید رسانه‌ها بر خشونت وجود ندارد [۲]. سه جنبه ترویج خشونت توسط فیلم‌های پرخاشگرانه تلویزیون را کریمی [۴] برشمرده است که شامل حساسیت‌زدائی نسبت به پرخاشگری، نیاز به خشونت فزاینده برای به هیجان آمدن و سوم تعمیم افراطی پرخاشگری است.

پژوهش‌های تأثیر رسانه بر خشونت به سه دسته آزمایشگاهی کوتاه مدت [۵]، مشاهدات ایستا [۶، ۷] و طولی [۸، ۹] تقسیم می‌شود. در نوع اول فیلم با درجات مختلف میزان پرخاشگری و اثر آن بر متغیرهای وابسته سنجیده می‌شود. در نوع دوم به صورت گذشته‌نگر پس از ثبت ویژگی‌های آزمودنی میزان درجه‌ای که او گزارش می‌دهد در معرض پرخاشگری فیلم‌ها بوده است سنجیده می‌شود و بالاخره در نوع سوم به صورتی آینده‌نگر، میزان تماشای فیلم‌های پرخاشگرانه ثبت و متغیرهای وابسته در دراز مدت ثبت می‌شود. پژوهش حاضر از نوع اول است. حداقل سه پژوهش با این روش [۱۰، ۱۱ و ۱۲] در ایران انجام شده است. در مقاله اول چهار بازی خشن رایانه‌ای یعنی جی. تی. ای، کانتر استرایک، ژنرال و تشکیل خانواده

سیمز و در مقاله دوم و سوم یک فیلم خشن مورد بررسی قرار گرفتند. در پژوهش حاضر ۷ فیلم که همگی از تلویزیون ایران به نمایش درآمده مورد سنجش قرار گرفتند. یک فرض اصلی تفاوت میزان خشونت القا شده در این فیلم‌هاست. این فرض در پژوهش [۱۲] اصلاً مورد توجه قرار نگرفته و در پژوهش علی‌پور درجه‌بندی خشونت (به ترتیب ۴/۵۰، ۴/۳۳، ۲/۸۳، ۱/۱۷) عیناً از سیاهه خشونت کراره و مولر به نقل از [۱۰] گرفته‌برداری شده است دلیل اینکه در پژوهش‌ها به درجه‌بندی خشونت در فیلم‌ها می‌پردازند آن است که شاید فیلم‌های مختلف به میزان مختلف، خشونت را افزایش می‌دهند و بررسی این احتمال فقط پس از درجه‌بندی خشونت فیلم‌ها میسر می‌شود.

تحقیقات در زمینه رابطه نمایش خشونت در رسانه‌ها و پرخاشگری اجتماعی بر دو فرضیه رقیب متمرکزند. یک فرض بر تخلیه هیجانی (پالایش روانی) و دیگری بر تحریک‌کنندگی (یادگیری اجتماعی) متمرکز است [۱۳]. تصور می‌کند یک نظریه ضمنی میان مردم در مورد نظریه پالایش روانی وجود دارد که برطبق آن افراد باید نگرانی‌های خود را برون‌ریزی کنند و گرنه گرفتار آن خواهند شد.

فرضیه تخلیه هیجانی از این قرار است: تماشای اعمال خشن درمان‌بخش است و موجب تخلیه عصبانیت و نفرت می‌شود. بر اساس نظریه فروید بسیاری از اعمال آدمی را غریزه‌ها، به ویژه غریزه جنسی تعیین می‌کند. وقتی مانعی در تجلی غرایز پیش می‌آید، سابق پرخاشگری سر بر می‌آورد. بعدها نظریه‌پردازان مکتب روان تحلیل‌گری روایت از ناکامی-پرخاشگری بر مبنای روان تحلیل‌گری را گسترش داد که بر مبنای آن هرگاه کسی در تلاش برای دستیابی به هدفی ناکام بماند، سابق پرخاشگری فعال می‌شود و این نیز به نوبه خود رفتاری را برای آسیب‌زدن به خود یا شیء منبع ناکامی برمی‌انگیزد [۱۴].

اما فرضیه تحریک‌کنندگی بیان می‌کند قرار گرفتن مستمر در معرض رفتارهای خشن تأثیر معکوس و مخربی بر شخصیت و نگرش‌های انسان دارد دلیل آن که تماشای فیلم‌های خشن می‌تواند باعث ایجاد رفتار و افکار پرخاشگری شوند یادگیری اجتماعی، تقلید و الگوبرداری است که باعث می‌شوند بینندگان ارزش‌ها و هنجارهای حامی پرخاشگری و خشونت و فنون پرخاشگری و خشن بودن را بیاموزند. در نظریه یادگیری اجتماعی مفهوم پرخاشگری به عنوان سابق ناشی از ناکامی، مردود شناخته شده و نظیر هر رفتار دیگری، پاسخی آموخته شده محسوب گردد. پرخاشگری ممکن است از راه مشاهده یا تقلید آموخته شود و هرچه بیشتر تقویت شود احتمال وقوع آن

پرخاشگری موجود در فیلم‌ها اندک و قابل تحمل باشد آیا فرد بازداری از محرک را در همان سطحی انجام می‌دهد که پرخاشگری زیاد باشد. و اگر پرخاشگری موجود در فیلم‌ها بسیار شدید باشد شاید هر توسل به دفاعی نتواند سطح محرک را کاهش داده و تمثیل «سنگ بسته» سعدی در آن حکایت موقعیت را کاملاً تشریح کند. البته در تعریف عملیاتی بازداری محرک در این پژوهش از پرسشنامه استفاده شده است و خود فرد گزارش می‌دهد که اگر تحریک به پرخاشگری زیاد باشد تا چه حد او تلاش می‌کند در مقابل تحریک به عمل پرخاشگرانه بازداری کند. در مقابل بازداری از تحریک، قطب تحریک‌پذیری فرد را به سمت عمل پرخاشگرانه سوق می‌دهد و این دو نوع پاسخ ناهم‌ساز تعیین‌کننده پرخاشگری می‌باشند. تصور کنید کسی تحریک شده است که عمل پرخاشگرانه‌ای را علیه فردی دیگر انجام دهد (تحریک‌پذیری) و در مقابل او خود را در موقعیت فرد آماج پرخاشگری قرار دهد (بازداری محرک) در آن صورت احتمال دارد او از پرخاشگری منصرف شود. بامرت، هوفمن و بلوم [۱۸] در یک مطالعه آزمایشگاهی در مورد فیلم پیشوای من از *دانیل لوی* (۲۰۰۷) که در آن هیتلر هرچند با پرخاشگری با مردم آلمان از طریق نیروهای تخت امر خود رفتار می‌کند اما در زندگی خصوصی همراه با دوستان و همراهان با شوخی و خنده و رفتارهای دوستانه عمل می‌کند نشان دادند که آزمودنیها به دلیل بازداری از تحریک که مربوط به خلوت و نه جلوی هیتلر بود در احساسات پرخاشگرانه خود نسبت به هیتلر علیرغم هم شواهد تاریخی قبلی خود تجدید نظر کردند. احتمالاً دیکتاتور بزرگ *چاپلین* (۱۹۴۰) تأثیر مشابهی داشته است. هرچند نظریه *باندورا* نشان می‌دهد که در فیلم‌های پرخاشگرانه‌ای که فرد پرخاشگر پاداش می‌بیند بازداری زدایی صورت می‌گیرد یعنی افراد پرخاشگرتر می‌شوند زیرا به این باور می‌رسند که پرخاشگری تنبیه نخواهد شد با این حال آدمی نیز کاملاً در مقابل رسانه‌ها تسلیم و مطیع نیست که مطابق رفتارگرایی *اسکینر* در *والدن تو* (walden two) بتوان تمهیداتی کنترل کرده و به هر سمتی راند او در مقابل شرایط محیطی که متقاضی رفتارهای خاصی است می‌تواند قصد و اراده خود را به نمایش بگذارد و مثلاً به گفته *ارونسون* [۱] با گرداندن دگمه تلویزیون آن را خاموش کرده و یا در درون خود سطح توجه و ترصد خود به فیلم را کاهش دهد [۱۹]. او می‌تواند فعال و با جهت‌گیری تأثیرگذاری بر محیط و یا منفعل و تحت تأثیر محیط باقی بماند [۲۰] و این موضوع تا حدی به تفاوت‌های فردی افراد [۲۱] و یا تفاوت‌های گروهی [۲۲] افراد باز می‌گردد. مثلاً در بازداری از محرک زنان بیش از مردان، در مقابل سطح

بیشتر می‌شود. هر کس به علت عدم دستیابی به هدف ناکام بماند یا به خاطر اتفاقات تنش‌زا دچار ناراحتی شود، هیجان ناخوشایندی تجربه می‌کند پاسخی که این هیجان فرا می‌خواند بستگی دارد به اینکه شخص چه پاسخ‌هایی را برای کنار آمدن با ناکامی یاد گرفته باشد. ممکن است از دیگران یاری بطلبد، پرخاش کند، گوشه‌گیری اختیار کند یا برای فائق آمدن بر مانع بر تلاش خود بیفزاید، یا با پناه‌بردن به الکل یا داروهای مخدر خود را تخدیر کند. طبق این نظر، ناکامی به ویژه کسانی را به پرخاشگری برمی‌انگیزد که یاد گرفته‌اند در برابر موقعیت‌های ناراحت‌کننده، رفتار پرخاشگرانه نشان دهند [۱۵]. در مقابل افراد دیگر در مقابل تحریک مقاومت کرده و سعی می‌کنند از رفتار پرخاشگرانه بازداری کنند [۱۶] بازداری در مقابل تحریک نیز یک رفتار یادگیری شده است.

بررسی‌هایی که در آنها سعی می‌شود بین پرخاشگری به عنوان سابق و پرخاشگری به عنوان پاسخ آموخته‌شده تمایز قائل شوند، اگر پرخاشگری را سابق بدانیم آنگاه ابراز آن باید اثر پالایش (برون‌ریزی هیجان) داشته باشد و از شدت احساس‌ها و رفتار پرخاشگرانه بکاهد (شبهه غذا خوردن که موجب کاهش احساس گرسنگی و اعمال مربوط به آن می‌شود) از سوی دیگر اگر پرخاشگری را پاسخی آموخته‌شده بدانیم، ابراز آن می‌تواند منجر به افزایش چنین پاسخ‌هایی شود (البته اگر پرخاشگری تقویت‌شده باشد) شواهد موجود بیشتر دیدگاه پاسخ‌های آموخته‌شده را تأیید می‌کند [۱۷]. بنابراین فیلم‌های پرخاشگرانه سبب برانگیختن پرخاشگری می‌گردند. در عین حال افراد در موقعیت‌هایی که پرخاشگری برانگیخته می‌گردد احتمالاً برای کاهش آن تلاش خواهند کرد این دو نوع پاسخ ناهم‌ساز در شرایطی موفق خواهد بود که سطح پرخاشگری ارائه شده در فیلم پائین باشد.

در فلسفه تجربه‌گرایی، داده‌ها مربوط به احساسات منفعلانه در برابر رویدادهای بیرونی است در حالی که در فلسفه پدیدارگرایی آدمی در برابر محرک‌ها منفعل نبوده و بر آنها تأثیر می‌گذارد. بازداری محرک از فلسفه اخیر نشأت گرفته است. برای تعریف آن به حکایت مشهور سعدی در مورد فردی که در گلستان وی از دهکده‌ای می‌گذرد توسل می‌جوئیم. در آنجا سنگ‌های دهکده او را دنبال می‌کنند و او برای راندن آنها به سنگ متوسل می‌شود در اینجا می‌توان سنگ را نماد محرک بیرونی در نظر گرفت. فیلمی که پرخاشگری را افزایش می‌دهد و سنگ را مقابله و مقاومت فرد برای کم کردن سطح پرخاشگری که به صورت فعال، سطح تحریک را کاهش می‌دهد. اما آیا این مقاومت در برابر هر سطحی از محرک بیرونی رخ می‌دهد؟ اگر

همچنین رفتارهای خشونت‌آمیز مثل زدو خورد و دعوا، حمل سلاح (مانند چاقو و زنجیر) و زورگویی به سایر دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار گرفتند. این پژوهش نشان داد همبستگی مثبت و معناداری بین میزان ساعات تماشای تلویزیون و ویدئو با رفتارهای خشونت‌آمیز وجود داشت و دانش‌آموزانی که با خود سلاح گرم حمل می‌کردند به‌طور معناداری بیشتر از سایرین زورگویی کرده بودند.

پژوهشگران [۳۴] در پژوهش خود بر روی دانشجویان پسر دریافتند که بین پرداختن به بازی با انواع پرخاشگری از نظر آماری رابطه معنادار نیست، در حالی که بین مدت زمان پرداختن به این بازی‌ها و نوع بازی با انواع پرخاشگری ارتباط معنادار است. به‌طوری‌که با افزایش میزان پرداختن به این بازی‌ها به‌ویژه بازی‌های خشن، میزان پرخاشگری افزایش یافته بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد مواجهه ممتد با بازی‌های رایانه‌ای به ویژه بازی‌های خشونت‌آمیز، سبب ایجاد حالات پرخاشگری می‌شود. هر چند در برخی پژوهش‌ها رابطه‌ای بین سطح پرخاشگری در فیلم‌ها با جنسیت نشان نداده است [۳۵] اما در جمع‌بندی تماشای فیلم‌ها در پرخاشگری موثر بوده، و این تأثیر در مردان بیش از زنان بوده است [۳۶]. برای آن دو دلیل احتمالی می‌توان ذکر کرد یا مردان بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند (اثر تحریک‌بازداری) و یا زنان در بازداری از تحریک به پرخاشگری موفق‌تر از مردان هستند (بازداری محرک).

نظریه‌های شخصیتی در مورد شخصیت فرد پرخاشگر [۳۷] مانند ویژگی تیپ A و رقابت‌جویی وجود دارد. کاپرا که همراه با برکوویتز دو نفر از مشهورترین پژوهشگران در زمینه پرخاشگری هستند نظریه القا هیجانی خود را در مجموعه‌ای از پژوهش‌ها [۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳] گسترش داده است. نظریه او به این سؤال پاسخ می‌دهد که کدام ویژگی‌های شخصیتی با پرخاشگری ارتباط دارد. او سه صفت شخصیتی یعنی تحریک‌پذیری، واکنش هیجانی و نشخوارسازی را برشمرده است. اولی گرایش به پاسخ تکانشی و ناهنجار و بی‌ادبانه به یک تحریک (حتی در سطح عادی) است. دومی گرایش به عمل نامتناسب (بیش از حد) در پاسخ به ناکامی است و سومی تمایل همواره افراد به مسائل تحریک‌آور و جستجوی انتقام است. اهداف پژوهش حاضر این که با افزایش سطح پرخاشگری در محتوی فیلم‌ها، تحریک به پرخاشگری افزایش و همزمان بازداری از محرک نیز افزایش می‌یابد که درمورد اول مردان و در مورد دوم زنان بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر مردان بیش از زنان تحریک به پرخاشگری انجام می‌دهند و زنان بیشتر از مردان با افزوده شده

پرخاشگرانه فیلم‌ها مقاومت می‌کنند در حالی که مردان بیشتر تحریک را القا می‌کند افرادی می‌توانند برای کاهش آن یا خلق مثبت را افزایش و یا خلق منفی را کاهش دهند. برای رویکرد اولی آرمیدگی و برای رویکرد دوم بازداری از محرک معمولاً انتخاب می‌شود.

مطالعات تجربی، مطالعات مشاهده‌ای و تعدادی از مطالعات بلند مدت همه نشان می‌دهد که تماشای خشونت تصویری در تلویزیون و فیلم‌ها با رفتار خشونت‌آمیز مرتبط است [۶ و ۲۳]. تاکنون مجموعه گسترده‌ای از نظریه‌های روانشناسی شکل گرفته تا به توجیه فرایندی بپردازد که از طریق آن، تماشای خشونت در رسانه‌های جمعی هم به‌صورت کوتاه مدت و هم به‌صورت بلند مدت باعث افزایش پرخاشگری و رفتار خشونت‌آمیز کودکان می‌شود [۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷].

مطالعاتی که به‌صورت آزمایشی انجام شده حاکی از آن است، پسران و دخترانی که به تماشای رفتار خشونت‌آمیز در فیلم‌ها یا تلویزیون می‌پردازند، بلافاصله پس از تماشا، پرخاشگرانه‌تر رفتار می‌کنند [۲۸ و ۲۹]. الگوی متداول این نوع مطالعات آن است که کودکان به‌صورت تصادفی انتخاب می‌شوند و به تماشای یک فیلم کوتاه و خشن و غیر خشن می‌نشینند و سپس هنگامی که با هم در حال بازی هستند مورد مشاهده قرار می‌گیرند. نتایج تأیید می‌کند کودکانی که فیلم کلیپ خشن را تماشا می‌کنند با هم پرخاشگرانه‌تر رفتار می‌کنند [۳۰].

یکی از نخستین مطالعات آزمایشی، تأثیرات تماشای برخی از صحنه‌های یک برنامه حاوی خشونت تلویزیونی بر رفتار پرخاشگرانه پسران و دختران ۵ تا ۹ ساله ارزیابی شد. نتایج نشان داد کودکانی که برنامه خشن را دیده بودند نسبت به کودکانی که برنامه خنثی را دیده بودند تمایل بیشتری برای ضرر زدن به کودک دیگر از خود نشان می‌دادند. به‌علاوه اکمن و همکارانش [۳۱] حالت‌های چهره این کودکان را هنگام تماشای خشونت تلویزیونی تشریح کردند. کودکانی که هنگام تماشای خشونت تلویزیونی حالت چهره آنها علاقه و لذت را نشان می‌داد نسبت به کودکانی که حالت چهره آنها هنگام تماشای خشونت تلویزیونی بی‌علاقگی و ناخشنودی را به نمایش می‌گذاشت بیشتر به ضرر زدن به کودکان دیگر تمایل داشتند. از این‌رو این مجموعه مطالعات متغیرهای تعدیل‌کننده بالقوه‌ای را در معادله تماشای خشونت و رفتار پرخاشگرانه شناسایی کرد.

در مطالعه‌ای [۳۲] نشان داده شده که میزان پرخاشگری رفتاری پسران مورد آزمایش پس از تماشای یک جلسه کارتون خشونت‌آمیز به‌طور معناداری افزایش یافته است. در مطالعه‌ای دیگر [۳۳] پسران مدارس راهنمایی شهرستان پاکدشت، درمورد فراوانی تماشای تلویزیون و ویدئو و

پرخاشگری، محرک پرخاشگرانه را بازداری می‌کنند که خود توضیح می‌دهد که چرا مردان بیشتر از زنان پرخاشگر هستند.

روش

شرکت‌کنندگان در پژوهش ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان بودند که با مخفی نگه‌داشتن اهداف پژوهش از آنها در یک مطالعه در مورد مقایسه شیوه‌ای بیانی و تصویرگری در تلویزیون و سینما شرکت یافتند. میانگین سنی آنها ۲۱/۷۶ با انحراف معیار ۲/۴۴ بود. تقریباً همگی آنها علاقه‌مند به فیلم بودند چون به صورت داوطلبانه و در پاسخ به یک دعوت از طرف جهاد دانشگاهی شرکت کرده بودند. فیلم‌ها به صورت فیلم‌های تلویزیونی در یک جلسه و فیلم‌های سینمایی در روزهای بعد به نمایش در آمد. به دانشجویان گفته شد که در ضمن و پس از پایان هر فیلم به سؤالاتی در دو مورد فیلم و خود پاسخ خواهند داد. به این ترتیب در حین تماشای فیلم‌های تلویزیونی دانشجویان با بیان افکار پرخاشگرانه و پس از پایان فیلم به درجه‌بندی خشونت فیلم‌ها و نیز پاسخ به پرسشنامه‌های تحریک‌پذیری [۴۱] و پرسشنامه بازداری از محرک [۱۶] می‌پرداختند در حالی که پس از تماشای فیلم‌های سینمایی به پرسشنامه پرخاشگری [۴۴] پاسخ داده و علاوه بر آن در حین تماشای آن به بیان افکار پرخاشگرانه خود پرداخته و فیلم‌ها را از نظر میزان خشونت نیز درجه‌بندی می‌کردند. نیمی از دانشجویان دختر و نیمی دیگر پسر بودند (میانگین سنی پسران ۲۱/۳۹ با انحراف ۲/۶۵ بود). میانگین سنی دختران ۲۲/۱۳ با انحراف معیار ۲/۳۷ بود.

یک نکته مهم این بود که افکار دانشجویان نباید بر یکدیگر تأثیر می‌گذاشت به همین دلیل برای پاسخ‌دهی به سؤالات آنها به سالن جوار محل کلاس‌ها رفته و مانند جلسه آزمون به سؤالات پاسخ دادند. در طول زمان فیلم نیز از آنها خواسته شده بود که با یکدیگر تبادل افکار نداشته باشند. همه دانشجویان اعضاء کلاس مبادی سواد بصری بودند که در آن در جلسات قبلی دانشجویان با یادگیری اصول بصری در هنرهای نقاشی و مجسمه‌سازی تا اندازه‌ای نسبت به هدف پژوهش سوگیری شده و حساسیت آنها کاهش یافته بود. برای کسب رضایت آگاهانه به آنها گفته شد که در پایان نتایج بدست آمده تحلیل و به آنها ارائه خواهد شد و بیان برخی از مطالب نیز به آن زمان محول خواهد شد تمامی فیلم‌ها از طریق ویدئو پوژکتور و بر روی یک پرده بزرگ به نمایش درآمد.

در این تحقیق، متغیر پیش‌بین مقیاس تحریک‌پذیری و بازداری محرک (عوامل درونی) و سطح محتوی

پرخاشگری در فیلم‌هاست. متغیر ملاک پرخاشگری است که در دو سطح مقیاس پرخاشگری کلامی به درجه‌بندی خشونت معطوف است و در سطح بیان افکار پرخاشگرانه به ثبت افکار آزمودنی‌ها حین تماشای فیلم‌ها معطوف است و ذیلاً معرفی می‌شود:

سنجش بیان افکار پرخاشگرانه: متغیر اصلی وابسته در پژوهش حاضر تعداد افکار پرخاشگرانه بود که آزمودنی بلافاصله پس از مشاهده هر فیلم فهرست می‌شد این روش توسط کاسیوپو و همکاران [۴۵] تحت عنوان فن فهرست کردن افکار پیشنهاد شده است که در آن هر آزمودنی حین تماشای فیلم باید همه افکار خود را بیان می‌کرد. به آنها به هیچ وجه گفته نمی‌شد که افکار پرخاشگرانه‌ای را یادداشت کنند زیرا دانشجویان فرضیات پژوهش را در می‌یافتند و نتایج مخدوش می‌شد اما پس از پایان فیلم پنج داور که دستیاران پژوهشگر بودند افکار پرخاشگرانه آنها را درجه‌بندی می‌کردند. میانگین درجه‌بندی آنها نشان دهنده میزان افکار پرخاشگرانه آزمودنی بود. ضریب روایی بین و درون درجه‌بندی شرکت‌کنندگان به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۷۸ بود.

مقیاس پرخاشگرانه کلامی [۴۴]: این مقیاس بخشی از مقیاس اصلی پرخاشگرانه است که در تحلیل عاملی بندیک به‌دست آمده و دارای ۱۲ سؤال است که در طیف صحیح/غلط، آزمودنی میزان پرخاشگری کلامی خود را بیان می‌کند. اعتبار آن ۰/۷۴ با ضریب تنصیف ۰/۷۶ بود.

مقیاس تحریک‌پذیری: این مقیاس توسط کاپرارا و همکاران [۴۱] ساخته شده است که بر مبنای نظریه تلقین‌پذیری هیجانی کاپرارا [۳۹] و دارای ۲۰ سؤال در طیف لیکرتی ۶ درجه‌ای است که آزمودنی میزان موافقت خود با آن را بیان می‌دارد، طیف پاسخ‌ها از ۵ (کاملاً در مورد من صادق است) تا صفر (اصلاً در مورد من صدق نمی‌کند در نوسان است). در پژوهش حاضر از دو مقیاس دیگر [۴۱] یعنی بی‌ثباتی هیجانی و رفتار جامعه‌گرا استفاده نشده است. اعتبار آن با آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بود.

مقیاس بازداری محرک [۱۶]: این مقیاس دارای ۴۰ سؤال است که در آن تمایلات آزمودنی‌ها برای تحریک‌شدن در جهت پرخاشگری را از طریق توجه انتخابی مورد سنجش قرار می‌دهد طیف پاسخ این مقیاس ۹ درجه‌ای است که بسیار زیاد موافق تا بسیار زیاد نا موافق در نوسان است. آلفای کرونباخ آن ۰/۹۴ و ضریب تنصیف ۰/۹۲ بود.

برای روایی همزمان مقیاس‌های پژوهش حاضر از پرسشنامه پرخاشگری اهواز [۴۷، ۴۸] استفاده شد. نمونه روایی همزمان و ملاکی یک گروه ۵۰ نفره مستقل بوده است قبلاً نیز زاهدی‌فر [۴۶] در ایران روایی همزمان

کل دارای ۵۷ سوال می‌باشد. برای روایی همزمان مقیاس بازداری محرک از زیر مقیاس پارانوئیا در MMPI استفاده شد. به نظر می‌رسد افراد برای این که از تحریک به خشونت پرهیز کنند (بازداری) باید نمره منفی پایینی در زیر مقیاس پارانوئیا داشته باشند در واقع ضریب روایی این مقیاس ۰/۶۴- و معنادار بود با همبستگی تفکیکی با سه زیر مقیاس K، F، L، یعنی مقیاس‌های اعتبار MMPI ضریب همبستگی (روائی) همچنان بالا و منفی ۰/۵۴- بود. روائی همزمان مقیاس پرخاشگرانه کلامی و تحریک‌پذیری با مقیاس پرخاشگری اهواز به ترتیب ۰/۵۶ و ۰/۵۴ بود.

یافته‌ها

در جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار دو نوع سنجش میزان افکار پرخاشگرانه و نیز درجه‌بندی خشونت در هفت فیلم موردنظر آورده شده است.

مقیاس [۴۴] با عملکرد تحصیلی بر روی پسران و دختران به ترتیب ۰/۱۵ و ۰/۱۹ و معنادار بوده است. همچنین ضریب اعتبار [۴۴] را عطاری و همکاران [۴۶] ۰/۷۱ برحسب آلفای کرونباخ و ۰/۷۷ برحسب ضریب تصنیف گزارش داده‌اند. برای سنجش ضریب روایی، یک سوال که ایده اصلی در آن پرسیده شده است به هر مقیاس افزوده و همبستگی آن با کل مقیاس سنجیده شده است. این روش که سازه‌مکون و همگرایی آن با مقیاس را می‌سنجد در [۴۸] معرفی شده است. با استفاده از این روش ضریب روایی ۰/۵۴ و ۰/۶۹ و ۰/۶۸ به دست آمد. همچنین BUDI [۴۴] که شامل ۵۷ سوال است ۷ سوال که به ترتیب تهاجم، خشونت غیرمستقیم، تحریک‌پذیری، منفی‌گرایی، تنفر، سوءظن و خشونت کلامی را می‌سنجد انتخاب شده و رابطه آن با [۴۱] سنجیده شد ضرائب روایی بین ۰/۵۷ و ۰/۶۱ همگی معنادار بود. مقیاس BUDI در

جدول ۱- شاخصهای توصیفی هفت فیلم در دو متغیر وابسته

نام فیلم	افکار پرخاشگرانه		درجه‌بندی خشونت	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
مأموران پلیس	۰/۰۹	۰/۰۶	۱/۶۷	۰/۶۲
گارد ساحلی	۰/۳۱	۰/۲۲	۱/۹۷	۰/۸۴
مأموران مخفی پلیس	۰/۵۲	۰/۲۷	۳/۷۲	۰/۹۷
قاتلین بالفطره	۰/۹۷	۰/۴۹	۴/۵۰	۱/۶۷
زودیاک	۱/۱۲	۰/۶۱	۴/۵۹	۱/۶۳
هفت	۱/۲۶	۰/۷۶	۴/۶۵	۱/۴۵
سکوت بره‌ها	۱/۹۲	۰/۸۴	۴/۸۵	۲/۲۴

ضریب روایی درون مشاهده‌گران آورده شده است همانطور که دیده می‌شود هر دو ضریب مطلوب می‌باشند که دلیل آن ساختاردار بودن مشاهده می‌باشد. هرچند خشونت امری ذهنی و انفسی است اما در پژوهش حاضر مشاهده‌گران به کمک ارزیابی جملات آزمودنی‌ها روایی بالائی نشان داده‌اند. این اعتبار هم بین مشاهده‌گران و هم در چندین دور سنجش یک مشاهده‌گر وجود داشته است.

همان‌طور که دیده می‌شود فیلم مأموران پلیس کمترین و فیلم سکوت بره‌ها بیشترین میزان افکار پرخاشگرانه را برمی‌انگیزد. پراکندگی پرخاشگری نیز با افزایش میانگین افکار پرخاشگرانه و درجه‌بندی خشونت افزایش می‌یابد. میزان همبستگی بین افکار پرخاشگرانه و درجه‌بندی خشونت (۲=۰/۶۲) می‌باشد که نشان‌دهنده اعتبار همگرایی دو نوع سنجش می‌باشد. در جدول شماره ۲ ضریب روایی بین مشاهده‌گران و

جدول ۲- ضریب روایی دو متغیر وابسته بین و درون مشاهده‌گران در هفت فیلم

فیلم	ضریب اعتبار بین مشاهده‌گران		ضریب اعتبار درون مشاهده‌گران	
	درجه‌بندی خشونت	افکار پرخاشگرانه	ضریب اعتبار دو متغیر وابسته بین و درون مشاهده‌گران در هفت فیلم	افکار پرخاشگرانه
۱	۰/۷۲	۰/۶۵	۰/۷۴	۰/۵۹
۲	۰/۷۱	۰/۶۳	۰/۷۲	۰/۶۱
۳	۰/۷۴	۰/۶۲	۰/۷۳	۰/۶۴
۴	۰/۷۸	۰/۶۴	۰/۷۵	۰/۶۱
۵	۰/۶۹	۰/۶۵	۰/۷۱	۰/۶۷
۶	۰/۷۲	۰/۶۷	۰/۷۴	۰/۶۲
۷	۰/۸۱	۰/۶۱	۰/۷۸	۰/۵۹

چنان که دیده می‌شود هم نوع فیلم، هم تحریک‌پذیری و هم بازداری محرک معنادار بوده و اثرهای تعاملی نوع فیلم و بازداری محرک و نیز اثر تعامل چندگانه نوع فیلم، جنسیت و بازداری محرک معنادار بوده است.

در جدول شماره ۳، شاخص‌های توصیفی سه متغیر شخصیت پژوهش حاضر آورده شده است. هر سه ابزار دارای اعتبار مطلوب می‌باشند. در جدول ۴، نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره برای درجه‌بندی خشونت و افکار پرخاشگرانه آورده شده‌اند.

جدول ۳- شاخص‌های توصیفی متغیرهای شخصیت به کار رفته در پژوهش و اعتبار آنها

سازنده مقیاس	تعداد سؤالات	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار اندازه‌گیری	ضریب اعتبار α	ضریب روانی	روایی ملاکی، پرخاشگری اهواز مقیاس
کاپرا	۲۰	۰	۵	۲/۱۴	۰/۶۹	۰/۲۸	۰/۸۴	۰/۵۴	۰/۵۷
کاپرا	۱۳	۰	۵	۰/۹۶	۰/۲۴	۰/۱۲	۰/۷۴	۰/۶۹	۰/۶۱
کاپرا	۴۰	۰	۵	۲/۷۴	۰/۹۸	۰/۲۴	۰/۹۴	۰/۶۸	-۰/۵۴

جدول ۴- تحلیل رگرسیون چند متغیره درجه‌بندی خشونت و افکار پرخاشگرانه

اثر	متغیر	df1	df2	F	p
اصلی	نوع فیلم	۲	۹۳	۲۴/۶۹	۰/۰۰۱
	تحریک‌پذیری	۲	۹۳	۳/۲۹	۰/۰۴۴
	بازداری محرک	۲	۹۳	۴/۶۷	۰/۰۲۵
تعاملی	نوع فیلم* بازداری محرک	۲	۹۳	۳/۵۴	۰/۰۳۵
	نوع فیلم* جنس* بازداری محرک	۲	۹۳	۴/۷۲	۰/۰۱۶

نمایش درآمده در فیلم ۰/۲۶ بر افکار پرخاشگرانه و ۰/۲۲ بر میزان درجه‌بندی خشونت افزوده می‌شود. کلیه ضرائب بتا معنادار هستند. افزایش تحریک‌پذیری سبب افزایش خشونت ادراک شده در فیلم و افزایش بازداری محرک سبب کاهش آن می‌گردد.

برای پیگیری میزان تأثیر نوع فیلم، تحریک‌پذیری و نیز واژه‌های تعاملی در میزان افکار پرخاشگرانه و نیز درجه‌بندی خشونت باید ضرائب استاندارد بتا محاسبه شوند. نتایج در جدول شماره ۵ آورده شده است همان‌طور که دیده می‌شود با یک واحد افزایش در میزان خشونت به

جدول ۵- بررسی نتایج ضرائب استاندارد رگرسیون برای سنجش تأثیر فیلم و اثر تعامل بر افکار پرخاشگرانه

متغیر	R	R ²	ΔR^2	β	df	t	p
نوع فیلم	۰/۴۲	۰/۱۸	-	۰/۲۲	۹۶	۵/۴۲	۰/۰۰۱
تحریک‌پذیری	۰/۴۹	۰/۲۴	۰/۰۶	۰/۱۹	۹۶	۲/۶۷	۰/۰۱۰
بازداری محرک	۰/۵۴	۰/۲۹	۰/۰۵	-۰/۲۲	۹۶	-۳/۴۴	۰/۰۰۹
نوع فیلم* بازداری محرک	۰/۵۸	۰/۳۴	۰/۰۵	-۰/۱۷	۹۶	-۲/۵۴	۰/۰۲۰
نوع فیلم* جنس* بازداری محرک	۰/۶۱	۰/۳۷	۰/۰۳	-۰/۱۱	۹۶	-۲/۴۷	۰/۰۲۱
نوع فیلم	۰/۴۴	۰/۱۹	-	۰/۲۶	۹۶	۶/۶۷	۰/۰۰۱
بازداری محرک	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۰۷	-۰/۲۴	۹۶	-۳/۵۱	۰/۰۰۹
تحریک‌پذیری	۰/۵۶	۰/۳۱	۰/۰۵	۰/۱۷	۹۶	۲/۶۳	۰/۰۱۷
نوع فیلم* بازداری محرک	۰/۶۰	۰/۳۶	۰/۰۵	-۰/۱۵	۹۶	-۲/۶۹	۰/۰۰۹
نوع فیلم* جنس* بازداری محرک	۰/۶۳	۰/۴۰	۰/۰۴	-۰/۱۳	۹۶	-۲/۵۷	۰/۰۱۳

بیشتری ایجاد می‌کنند. فیلم‌هایی که در آن پرخاشگری تا حدی از طریق جنبه‌های متعارض با خشونت تلطیف می‌گردد (مانند فیلم پیشوای من و دیکتاتور بزرگ و فیلم مأموران پلیس در پژوهش حاضر) پرخاشگری کمتری را برمی‌انگیزاند. هرچند حتی نشانه‌های زمینه پرخاشگرانه در فیلم‌های غیر پرخاشگرانه (مانند تحقیقات برکوویتز در

بحث

در این پژوهش ۷ هفت فیلم به صورتی آگاهانه و با درجات مختلفی از پرخاشگری ارائه شدند اثر نوع فیلم اشاره دارد معنادار بوده و ضریب β استاندارد آن برای درجه‌بندی خشونت ۰/۲۲ و برای افکار پرخاشگرانه ۰/۲۶ می‌باشد و بنابراین فیلم‌های با درجه‌بندی خشونت بالاتر پرخاشگری

زودیایک فینچر، قاتل نامشخص است این فیلم از واقعیت گرفته شده است. هر چند در زودیایک به طور مشخص لحظات قتل نشان داده می‌شود اما صراحت آن در حد دو فیلم بعدی نمی‌باشد.

دو فیلم هفت و سکوت برها سطح پرخاشگری بازهم افزایش یافته است. در فیلم هفت (فینچر) در گناه هفتم که حسادت است تبهکار فیلم قصد برانگیختن پلیس جوان فیلم (براد پیت) را از طریق قتل همسر او آن هم به شکلی فجیع (بسته پستی حامل سر قطع شده او) از طریق حسادت دارد به نحوی که در پیشگویی کامرواساز و تأیید نظریه هفت گناه که با الهام از کتاب کمدی الهی دانسته طراحی شده است او به جای سپردن تبهکار به قانون به بدویت رفتار پرخاشگرانه رو آورده و او را در حالی که اسیر پلیس است به نحوی فجیع از میان می‌برد و گوش پلیس پیرت (مورگان فریمن) هم نمی‌دهد در اینجا دیده می‌شود که هم در سطح سنجش افکار پرخاشگرانه و هم در سطح خود گزارشی پرخاشگری میزان پرخاشگری بازهم افزایش یافته است در آخرین فیلم که بر مبنای رومان روانشناس مشهور هاریس ساخته شده است با قاتل زنجیره‌ای و در بالاترین سطح پرخاشگری روبرو می‌شویم و یافته‌های پژوهش نیز نشان می‌دهد که بازهم در هر دو سطح پرخاشگری افزایش یافته است. آیا پرخاشگری ادراک شده امری انفسی و وابسته به ادراک افراد و یا عینی (آفاقی) است؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که پرخاشگری تا حد زیادی توسط همه تماشاگران آن به یک نحو برداشت می‌شود جدول ۲ اعتبار بین مشاهده گران را در سطح بالایی نشان می‌دهد که هر دو سطح درجه‌بندی خشونت و افکار پرخاشگرانه برقرار است. بنابراین پرخاشگری مشاهده شده امری واقعی است. این امری هشدار دهنده برای مدیران تلویزیون است که در سطح میلیونی هر روز پرخاشگری را باز تولید می‌کنند. این هر چند یک پرخاشگری نیست که مردم خود انجام دهند اما ناظر آن هستند و یادگیری اجتماعی *باندورا* آموزنده است که تماشای پرخاشگری به نحوی نیابتی پرخاشگری را باز تولید می‌کند. این پرخاشگری امری موقتی و یا وابسته به احساسات موقعیتی افراد نیست. در ستون بعدی جدول ۲ دیده می‌شود که ضریب روایی درون مشاهده گران نیز در سطح بالایی است که با توجه به این که افکار پرخاشگرانه امکان بازآزمایی ندارد محاسبه ضریب روایی درون مشاهده گران میسر نشده است، اما در سطح درجه‌بندی خشونت اعتبار مطلوب است. یعنی درجه‌بندی پرخاشگری موقعیتی بوده است. مقایسه پایایی بین و درون مشاهده گران نیز نشان می‌دهد که در قضاوت آنها خطای هاله‌ای وجود ندارد. خطای هاله‌ای در موقعیتی است که روایی

مورد آلات پرخاشگری مثل تفنگ در متن فیلم غیر پرخاشگرانه مثل تفنگ در متن فیلم غیر پرخاشگرانه، [۴] نیز ممکن است به ابراز پرخاشگری منجر شود اما میزان آن کمتر است. حال بهتر است این درجات مختلف پرخاشگری را با توجه به محتوی فیلم‌ها بررسی کنیم.

باتوجه به اینکه سه فیلم مأموران پلیس، گارد ساحلی و مأموران مخفی پلیس از تلویزیون و چهار فیلم بعدی به صورت فیلم‌های سینمایی از تلویزیون ایران پخش شده‌اند تأثیر قبلی این فیلم‌ها ممکن بود بر نتایج تحقیق تأثیر داشته باشد اما با توجه به اینکه از آزمودنی‌ها پرسیده شده بود که آیا قبلاً این فیلم‌ها را دیده‌اند و نتایج در مورد ۷ نفری که قبلاً این فیلم‌ها را دیده بودند تحلیل نشد و هر ۱۰۱ نفر نمونه پژوهش قبلاً فیلم‌ها را ندیده بودند می‌توان از عدم تأثیر این عامل تا حدی اطمینان داشت. با این حال اگر فردی در مرحله پاسخ با وجود تماشای قبلی به یاد نیورده باشد که قبلاً فیلم را دیده و تجربه قبلی او بر نتایج تحقیق از طریق حساسیت‌زدایی [۲۰] یا ترس‌پذیری [۲۱] تأثیر داشته باشد نوعی محدودیت روانشناختی است که قابل کنترل توسط پژوهشگر نبوده است. هر چند هدف اصلی پژوهشگر درجه‌بندی رسانه‌ها (تلویزیون یا سینما) نبوده است اما درجه‌بندی فیلم‌ها اهمیت بسیار دارد زیرا از این طریق سطح خشونت موجود در فیلم‌ها درجه‌بندی شده‌اند. در فیلم مأموران پلیس که فیلم به زوایای زندگی پلیس‌های ایتالیایی، ماجراهای عشق و دلدادگی و شوخی‌های آنها نیز وارد می‌شود و مأموران پلیس با جنبه‌های انسانی نشان داده شده‌اند و زندگی تبهکاران مقابل آنها نیز به همین صورت روایت شده است و نقاط ضعف معمولی انسانی و دشواری‌های زندگی آنها را به سمت تبهکاری رانده و اکثراً با تغییر شرایط آماده تغییر جهت زندگی هستند و شوخی‌ها و طنز فیلم نیز سطح پرخاشگری را به حداقل رسانیده است پرخاشگری در حداقل می‌باشد همه این جنبه‌های خاکستری از فیلم مأموران مخفی پلیس زدوده شده است و فیلم به صورت قطبی دو بخش را به صورت سیاه و سفید روایت می‌کند در اینجا سطح پرخاشگری بیشتر شده است در فیلم گارد ساحلی فضای فیلم در بین پیوستار دو فیلم است برخی از جنبه‌های جذاب و توریستی و طبیعت با خشونت تبهکاران درهم آمیخته است. در فیلم استون (قاتلین بالفطره) سطح خشونت افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد تا حدی که قاتلین بالفطره بدون هیچ نیاز یا توجهی دست به خشونت کور می‌زنند دیده می‌شود که در اینجا میانگین پرخاشگری در هر دو سطح سنجش (درجه‌بندی پرخاشگری در مقیاس خود گزارشی *کاپرارا* و نیز بیان افکار پرخاشگرانه) در سطح چشمگیری افزایش می‌یابد. در فیلم

کرد. جنبه تاریک مسئله هم بر این نگرانی در مورد دو جنس می‌افزاید نشان داده شده که مردان و پسران تحریک‌پذیری بیشتری نسبت به زنان و دختران تحت تأثیر محتوی پرخاشگرانه فیلم‌ها دارند. و این امر تأکید می‌کند که پرخاشگری با ذات بشر هماهنگ نیست زیرا افراد به بازداری محرک رو نمی‌آوردند. البته نتایج به صورت گروهی تحلیل شده و بر همین اساس باید تفسیر شود و گرچه شخصیت‌های ضداجتماعی احتمالاً تا بالاترین سطح تحریک به پرخاشگری را تحمل می‌کنند که بر عهده پژوهشگران بعدی است که این اختلالات شخصیت (و اختلالات دیگر شخصیت محور دو) را در رابطه با پرخاشگری ادراک شده مورد پژوهش قرار دهند.

یافته‌های پژوهشی حاضر از نظریه یادگیری اجتماعی به طور صریح حمایت و نظریه تخلیه هیجانی را رد می‌کند. دلیل آن چیست؟ نخست این که نظریه تخلیه هیجانی بر این مبنا است که ابراز پرخاشگری و یا مشاهده آن نیاز به آن را کاهش می‌دهد. مشاهده پرخاشگری سبب تشفی میل مکنون آدمی به پرخاشگری است و مانند فرآیندهای ثانویه تفکر و رؤیا و داستان پردازی به صورت نمادین و جانشینی میل به پرخاشگری را برآورده می‌سازد. در نظریه یادگیری اجتماعی به عکس مشاهده پرخاشگری آن را آموزش می‌دهد. دو دلیل مستقیم و غیر مستقیم در این رابطه وجود دارد. دلیل مستقیم این که مشاهده پرخاشگری با گزارش پرخاشگری درجه‌بندی خشونت و هم با بیان افکار پرخاشگری رابطه مثبت داشت در حالی که بر طبق نظریه تخلیه هیجانی، چون این میل با مشاهده پرخاشگری کاهش یافته است باید این رابطه منفی باشد یعنی مشاهده پرخاشگرانه سبب کاهش بیان افکار پرخاشگرانه و گزارش پرخاشگرانه شد. به طور غیرمستقیم نیز شواهد پژوهش حاضر، نظریه تخلیه هیجانی را رد می‌کند زیرا مشاهده پرخاشگری از آنجا که میل مکنون (پنهان) به پرخاشگری را برآورده ساخته و در جهت ارضاء امیال درونی است فرد باید به آن گرایش داشته و بنابر این نباید بازداری محرک انجام دهد. درحالی که در پژوهش حاضر دیده شد که با افزایش میزان پرخاشگری در فیلم‌ها (که آنها به صورت عینی سنجیده شد) بازداری از محرک پرخاشگری هم افزایش یافت یعنی نه تنها افراد میل و نیازی به سطوح بالاتر پرخاشگری نداشتند بلکه به صورت فعال در صدد کاهش آن بودند. از طرف دیگر متغیر مهم تحریک به پرخاشگری است. نظریه تخلیه هیجانی بر مبنای نظریه روان تحلیل‌گری و انرژی لیبدو بر ساخته شده است. هر فرد برای انجام هر فعلی نیاز به انرژی دارد توجه این انرژی در نظریه‌های مختلف بر گونه‌های مختلف انجام شده است مثلاً در نظریه

درون مشاهده‌گران بالا و بین مشاهده‌گران پائین باشد. بنابر این با دقت زیادی پرخاشگری سنجش شده است. با توجه به این که با افزایش سطح پرخاشگری (و دقت سنجش) در فیلم‌ها، میزان پرخاشگری هم افزایش می‌یابد (در دو سطح سنجش افکار پرخاشگرانه و درجه‌بندی خشونت) معلوم می‌شود که پرخاشگری ادراک شده به صورت پیوستار و نه دو قطبی است. ارائه پیوستار خشونت در فیلم‌ها و بعداً اطمینان از دوستی پیوستار خشونت با درجه‌بندی آنها در پژوهش‌های مربوط به پرخاشگری امری مرسوم و جزء روش شناختی این نوع پژوهش‌هاست چنانچه این روش در هر سه پژوهش مورد اشاره در ایران [۱۰، ۱۱، ۱۲] وجود داشته است.

حال سوال مهم پژوهش حاضر این است که افراد در مقابل پرخاشگری چگونه پاسخ می‌دهند؟ آشکارا دو نوع پاسخ وجود دارد که اولی به عامل بیرونی (فیلم پرخاشگرانه، سگ در مثال سعدی) و دومی به عامل درونی (بازداری و یا کاهش سطح تحریک، سگ در مثال سعدی) باز می‌گردد. پرخاشگری به عنوان یک محرک آنها را به انجام پرخاشگری تحریک می‌کند این جنبه تاریک مسئله است، اما فرد در مقابل این تحریک کاملاً منفعل نیست. او هم می‌تواند این محرک را بازداری کرده و سطح آن را کاهش دهد این جنبه فعال درونی می‌تواند تا حد کامل تحریک (ترک کردن سالن فیلم یا پچاندن دکمه تلویزیون و یا خاموش کردن تلویزیون) پیش رود همان‌طور که در [۱] آمده است افراد در مقابل تحریک به پرخاشگری کاملاً منفعل نمی‌مانند در پژوهش حاضر این جنبه فعال درونی با ابزار خود گزارشی کاپرا سنجیده شده است. در جدول ۴ دیده می‌شود که بازداری محرک معنادار است و به علاوه تعادل آن با نوع فیلم و جنسیت و نوع فیلم معنادار است.

با توجه با این که جنسیت در جهت مذکر مثبت‌تر (بیشتر) است زنان در برخورد با پرخاشگری بازداری محرک بیشتری انجام می‌دهد. همچنین هرچقدر فیلم پرخاشگرانه‌تر باشد افراد بیشتر به بازداری محرک رو می‌آورند. این نشان می‌دهد که خوشبختانه افراد در مقابل تحریک به پرخاشگری کاملاً منفعل نیستند و این عدم انفعال در میان زنان بیشتر است یعنی زنان از پرخاشگری نسبت به مردان بیزارترند. آیا این به تجربه فردی بسیاری از آنها که در معرض پرخاشگری خانواده و یا نگران از انجام آن هستند باز نمی‌گردد؟ داده‌های پژوهش حاضر در این مورد چیزی ارائه نمی‌دهد و پژوهشگران بعدی می‌توانند این فرضیه را جستجو کنند و به طور همزمان داده‌ای مرتبط را جمع‌آوری و در مورد آن نظر دهند. با این حال این گمانه‌ای است که می‌توان به عنوان پیشنهاد به پژوهشگران بعدی آن را مطرح

سازندگان فیلم‌هایی است که ناگزیر به تم و مفهوم پرخاشگرانه هستند. با این حال یک نکته امیدوارکننده این است که بینندگان فیلم‌ها با محتوی پرخاشگری نیز به طور کامل منفعل نیستند و می‌توانند در صورت افزایش پرخاشگری با کاهش سطح آن واکنش مناسب انجام دهند و این کار با بازداری محرک پرخاشگری صورت می‌گیرد که سازوکار آن در پژوهش حاضر از طریق یافته خودگزارشی سنجیده شده است. زنان در بازداری از محرک پرخاشگرانه فعال‌تر عمل می‌کنند.

منابع

- 1- Aronson E. Social psychology. Translator; Hossein Shokrkon, Roshd Publishing, 1381. [Persian]
- 2- World Health Organization – Geneva. Translators: Mamak Eftekhari, Shahram Rafiefar, Jamshid Kermanchy, World Report on Violence and Health, Center for Tomorrow's Health Research, Research Institute to improve women's lives. The World Health Organization - Geneva 1386, Publisher Tandis; 1386. [Persian]
- 3- Hennigan KM, Del Rosario ML, Heath L, Cook TD, Wharton JD, Calder BJ. Impact of the introduction of television on crime in the United States: Empirical findings and theoretical implications. *J Pers Soc Psychol*, 1982;42(3): 461-77.
- 4- Karimi Y. Social psychology. Arasbaran Publishing; 2009.
- 5- Bandura A, Walters R. Social learning and personality development. New York, Holt, Rinehart & Winston; 1963.
- 6- Huesmann IR, Miller LS. Long term effects of repeated exposure to media violence in childhood. IN L. R. Huesmann (ED), *Aggressive Behav*. New York. Plenum; 1994.
- 7- Huesmann IR. Current perspective, *Aggressive Behav*. New York: plenum; 1994.
- 8- Huesmann IR, Eron LD. Cognitive processes and the persistence of aggressive behavior. *Aggressive Behav*. 1984;10: 243-51.
- 9- Huesmann IR, Eron LD. Television and the aggressive child: A cross-national comparisons. Hillsdale, NJ: Erlbaum; 1986.
- 10- Alipour A, Agah-Heris M, Siadati M, Noorbala AA. Effect of different rated violent video games on salivary IgA, salivary cortisol and body temperature. *J Behav Sci*, 2009; 3(17): 1-8. [Persian]
- 11- Alipour A, Agah-Heris M. The effect of violent computer games on the degree of heart vascular adolescents with regard to personality type. *J Psychol* 1387,12 (3): 252-66. [Persian]
- 12- Bahrami-Ehsan Z, Bahrami-Ehsan H, Shafieian M. Effect of watching action movies on concentration of secretary immunoglobulin A in saliva. *Res psychol Health*. 2008;1(3): 67-75. [Persian]
- 13- Baroan RA, Byrn D. Social psychology. eighth edition. Allyn & Bacon; 1997.
- 14- Dollard J, Doob LW, Miller NE, Mowrer OH, Sears RR. Frustration and aggression. New Haven, CT: Yale University Press; 1939.
- 15- Bandura A. Social learning theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall; 1977.
- 16- Mehrabian A. Manual for the questionnaire measure of stimulus screening and arousability.

حال و فریاد هر دو این به سائق باز می‌گردد. بنابراین اگر تخلیه هیجانی صورت گیرد تحریک به پرخاشگری باید کاهش یابد که در پژوهش حاضر دیده شده که با تماشای فیلم‌های پرخاشگرانه و به همان نسبت افزایش پرخاشگری، خودگزارشی تحریک به پرخاشگری نه تنها کاهش نیافت (برخلاف نظریه هیجانی) که افزایش یافت. یک قوت مهم پژوهش حاضر استفاده از سه مقیاس اصلی از میان ۵ مقیاس مهم پرخاشگری است. دو مقیاس مهم پرخاشگری است. دو مقیاس دیگر مقیاس سلگ و مقیاس چوی‌نوسکی [نقل از ۴۶] است.

یک محدودیت عمده پژوهش حاضر که در کنترل پژوهشگر نبوده است قدرت بیان می‌باشد که با بیان پرخاشگری ارتباط دارد واضح است که بیان پرخاشگری با قدرت بیان فرد که جزء تفاوت‌های فردی است قابل سنجش می‌باشد و می‌توان از طریق فنون آماری از قبیل تحلیل کوارینانس آنرا کنترل کرد اما از آنجا که احتمال می‌رفت آزمودنی‌ها با انجام این آزمون فرضیات پژوهش را حدس بزنند و از طرف دیگر امکان کدگذاری و یا شناسایی آزمودنی‌ها برای مراجعه بعدی نبود از این امر صرف نظر گردید.

در مورد سازوکار بازداری محرک پرخاشگری در پژوهش حاضر کاری انجام نشده و تنها با پرسشنامه به صورت خود گزارشی سنجیده شده است یک روش عالی برای بررسی سازوکار آن، می‌تواند اعتبار همزمان آن با سنجش‌های فیزیولوژیک باشد در نظریه شخصیت آیزنک پرخاشگری به عامل روان‌پریشی نسبت داده شده است که با کارکرد هورمون‌ها مربوط است (دو عامل دیگر یعنی برون‌گرایی و روان‌آزدگی به ترتیب به CNS و ANS مربوط می‌شوند). شاید هورمون‌های آندروژن و تستسترون که آیزنک آنها را به پرخاشگری مربوطه دانسته و هر دو مربوط به مردان می‌باشند در این میان نقش داشته باشند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که هنگامی که از فیلم با محتوای پرخاشگرانه صحبت می‌شود طیف وسیعی را شامل می‌شود که می‌توان بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر آنها را از پرخاشگری مطلق تا پرخاشگری ملایم درجه‌بندی کرد. می‌توان از سطح پرخاشگری فیلم‌ها با همراه ساختن آن با جنبه‌هایی از شوخی و زندگی روزمره کاست و یا نشان داد که تبهکاری به معنی رفتارهای بسیار ضد اجتماعی نیست و اگر هم وجود دارد نیازی به نمایش صحنه‌ای آن در بالاترین سطح خشونت نیست زیرا این نوع فیلم‌ها تحریک به پرخاشگری را افزایش می‌دهند. این تلویحی مهم برای

1384. *Med Sci J Islam Azad Univ.* 1386;17(1): 45-50. [Persian]
- 34- Abdulkhalig M, Davachi A, Sohbaie F, Mahmoudi M. The relationship between video games -computer and aggression in male students of guidance Tehran 1382. *Med Sci J Islam Azad Univ.* 1384;15(3): 141-45. [Persian]
- 35- Azkmp S. Applied social psychology. Translator F. Maher. Publication (Astan) Mashhad, 2010. [Persian]
- 36- Andison FS. TV violence and viewer aggression: A cumulation of study results 1956-1976. *Public Opin Quart.* 1977;41: 314-31.
- 37- Azerbaijani M, Salarifar MR, Abbasi A, Kaviani M, Mousaviasl SM. The social psychology. Third printing. Samt & Hoze Institute & Tehran University Publishing. 1387. [Persian]
- 38- Caprara GV. A comparison of the frustration - aggression hypothesis and emotional susceptibility hypothesis. *Aggre Behav.* 1982;8: 234-36.
- 39- Caprara GV, Renzi P, Alcini P, D'Imperio G, Travaglia G. Instigation to aggress and escalation of aggression examined from a personological perspective: The role of irritability and emotional susceptibility. *Aggre Behav.* 1983;9(4): 345-51.
- 40- Caprara GV, Renzi P, Amolini P, D'Imperio G, Travaglia G. The eliciting cue value of aggressive slides reconsidered in a personological perspective: The weapons effect and irritability. *Eur J Soc Psychol.* 1984; 14(3): 313-22.
- 41- Caprara GV, Cinanni VD, Imperio S, Passerini S, Renzi P, Travaglia G. Indicators of impulsive aggression: Present status of research on irritability and emotional susceptibility scales. *Pers Indiv Diff.* 1985;6(6): 665-74.
- 42- Caprara GV. Indicators of impulsive aggression: Present Status of research on irritability and emotional susceptibility scales. *Pers lindiv Diff.* 1986;7: 23-31.
- 43- Caprara GV. The disposition-situation debate and research on aggression. *Eur J Pers.* 1987;1(1): 1-16.
- 44- Buss AH, Durkee A. An inventory for assessing different kind of hostility. *J Couns Psychol.* 1957; 21(4): 343-9.
- 45- Cacioppo JT, Petty RE. Social psychological procedures for cognitive response assessment: The thought listing techniqven In T. Merluzzi, C. Glass & M. Genest (Eds.), *Cognitive Assessment*. New York: Gilford press; 1981.
- 46- Zahedifar Sh. Construction and validation of scale to measure aggressiveness and investigation its relationship with depression, type A personality and migren headache among undergraduate students (boys and girls) of Chamran University [Dissertation]. Ahvaz Azad University; 1997. [Persian]
- 47- Atari Y, Haghghi J, Khanekeshi, Z. Investigating relation of instability of emotion, persocial behavior and aggressiveness with academic perfprmance among Ahvaz middle school (boys' and girls'). *Shahid Chamran University. Psychol Educ Sci J.* 2002;1:1-16. [Persian]
- 48- Skronal A, Rabe-Hesketh S. Interdisciplinary statistics generalized latent variable modeling. Chapman & Hall/CRC; 2004.
- University of California, Los Angeles; 1976.
- 17- Atkinson RL, Richard C, Smith E, et al. *Introductio of psychology*. Translators; M. N. Barahani et al. Tehran, Roshd; 2006. [Persian]
- 18- Baumert A, Hofman W, Blum G. Laughing about Hitler? Evaluation of the movie "my fuehrer". *J Media Psychol*, 2008, 20(2): 43-56.
- 19- Elliot AJ, Trash TM. Approach-avoidance motivation in personality: Approach and avoidance temparements and goals. *J Res Pers.* 2002; 82(5): 804-18.
- 20- Kuhl JA. Functional-design approach to motivation and volition: The dynamics of personality systems interactions. In M. Boekaerts, P.R. Pintrich, M. Zeidner (Eds.). *Self regulation: Directions and challenges for future research*. New York: Academic press; 2000.
- 21- Miguel K, Reiner K, Julius K. Individual differences in intention initiation under demanding conditions: Interactive effects of state vs. action orientation and enactment difficulty. *J Res Pers.* 2008;42(3): 698-715.
- 22- Kanzen M, Baumann N, Kuhl J. Self- infiltration vs. self-compatibility checking in dealing with unattractive tasks: The moderating influence of state vs. action orientation. *Motiv Emotion.* 2003;27(3): 157-97.
- 23- Huesmann LR, Moise-Titus J, Podolski CL, Eron LD. Longitudinal relations between children's exposure to television violence and their aggressive and violent behavior in young adulthood: 1977-1992. *Dev Psychol.* 2001;39(2): 201-21.
- 24- Bandura A. *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: Freeman; 1997.
- 25- Berkowitz L. Towards a general theory of anger and emotional aggression: Implications of the cognitive-neoassociationistic perspeccctive for the analysis of anger and other emotions. In R. S. Wyer, Jr., & T. K. Srull (Eds.), *Perspectives on anger and emotion: Adv Soc Cogn.* 1993;6: 1-46.
- 26- Huesmann IR. An information processing model for the development of aggression. *Aggres Behav.* 1988;14: 13-24.
- 27- Zillman D. *Hostility and aggression*. Hillsadle, NJ: Erlbaum; 1979.
- 28- Geen RG. *Human aggression*. Pacific Grove, Brooks/Cole; 1991.
- 29- Geen RG, Thomas SL. The immediate effects of media violence on behavior. *J Soc Issues.* 1986;42(3): 7-27.
- 30- Josephson WL. Television violence and children's aggression: Testing the priming, social script, and disinhibition predictions. *J Pers Soc Psychol Rev.* 1987; 53(5): 882-90.
- 31- Ekman P, Friesen WV. Hand movments. *J Commun.* 1972;22(4): 353-75.
- 32- Hoseini-Anjadani M. Effects of watching violent cartoons on the level of aggression among adolescents. *Communi Res.* 1387;15(2): 81-100. [Persian]
- 33- Alikhani S, Zare M, Bahonar AR, Rmzankhany A, Delaware AR, Rahbani Sh, Salhysyjanya M. Association between watching TV and videos with violent behavior in secondary and high school students Pakdasht city in